

علائم و مراحل ظهور (۹)

تکذیب شدید

قائم (ع) در حین ظهور

و دلائل آن

بقلم

سید حسین موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم كن لوليک حجة ابن الحسن صلواتک
عليه و علی آباءه الطيبين الطاهرين
فی هذه الساعة و فی کل ساعة
وليا و حافظا و قائدا و ناصرا
حتى تسکنه ارضک طوعا
و تمتعه فیها طويلا

زهي خجسته زماني كه يار بازآيد
به كام غمزدگان غمگسار بازآيد

به پيش خيل خيالش كشيدم ابلق چشم
بدان اميد كه: آن شهسوار بازآيد

اگر نه در خم چوگان او رود سر من
ز سر نگويم و سر خود چه كار بازآيد

مقيم بر سر راهش نشسته ام چون گرد

فهرست مطالب

موضوع.....صفحه

تشکیل لشکر امام زمان (عج)

- دشمنی منتظران با موعود منتظر، در طول تاریخ..... ۷
- تحریف علائم ظهور..... ۸
- عدم احاطه علمی نسبت به مشخصات صحیح موعود منتظر..... ۱۰
- آوردن امر جدید و نفی تحریفات موجود در دین آباء و اجدادی..... ۱۲
- تکبر و خود بزرگ بینی بزرگان قوم..... ۱۵
- به خطر افتادن جاه و مقام و منافع بزرگان جامعه..... ۱۶
- نشان ندادن معجزه های در خواستی..... ۱۸
- تقلید از بزرگان در اصول دین و امر حجج الهی..... ۲۱
- تکذیب حضرت مسیح (ع) و جنگ و مقابله با او از طرف منتظرانش..... ۲۴
- تکرار جریان حضرت مسیح (ع) و مقابله منتظران با حضرت مهدی (عج)..... ۳۱
- هشدار ای منتظران! مسیح را منتظرانش کشتند! حسین را منتظرانش کشتند!..... ۳۶
- تصور کارتونی - افسانه ای از ظهور!..... ۳۷

تکذیب موعود منتظر

و دشمنی منتظران با او در حین ظهور!

و دلائل آن



دشمنی منتظران با موعود منتظر، در طول تاریخ!

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع) به دشمنی منتظران با موعود منتظر در طول تاریخ اشاره شده و علل و دلائل این رفتار عجیب و وحشتناک نیز توضیح داده شده است، و با سیری کوتاه در ثقلین می توان دلائل این رفتار عجیب را شناخت، با جمع آوری دلائل این رفتار در قرآن و احادیث مجموعاً با هفت دلیل و علت برای این اشتباه و وحشتناک برخورد می کنیم که ذیلاً ذکر می شود:

۱- تحریف علائم ظهور و در نتیجه نشناختن موعود ظهور کرده به دلیل عدم انطباق او با علائم خودساخته آنها.

۲- عدم احاطه علمی نسبت به مشخصات صحیح موعود منتظر.

۳- آوردن امر جدید و نفی تحریفات موجود در دین مستقر

۴- تکبر و خود بزرگ بینی بزرگان قوم و تحقیر و استهزاء حجج الهی.

۵- به خطر افتادن جاه و مقام و منافع بزرگان جامعه.

۶- نشان ندادن معجزه های در خواستی!

۷- تقلید از بزرگان در امر حجج الهی.

ذیلاً به بررسی آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع) در این باره می پردازیم:



۱- تحریف علائم ظهور و در نتیجه نشناختن موعود ظهور کرده به دلیل عدم انطباق او با موعود موهوم و علائم خودساخته آنها.

علائم ظهور آدرسهائی است که از طرف خداوند داده شده برای شناخت موعود منتظر در حین ظهور، در نتیجه هرگونه تعبیر و دستکاری در آنها نتیجه فاجعه باری داشته و باعث سر در گم شدن منتظران و احياناً در تاریخ به تکذیب موعود منتظر و جنگ با او منجر شده است، در اثر این تعبیر و تحریف بود که قوم یهود به جنگ مسیح منتظر رفتند، چرا که علمای یهود ترسیمی غیر واقعی از حضرت مسیح به قوم یهود داده بودند یعنی هرچه که از علائم در مظلومیت حضرت مسیح و انکار شدنش از طرف بزرگان بود سانسور کرده و از او قهرمانی ساخته بودند که بلافاصله با ظهورش پیروز شده و یهود را بر سر کار می آورد! و این طبعاً غیر واقعی بود و لذا وقتی قوم یهود با جوانی مظلوم از اهل ناصره روبرو شدند که ادعا می کرد همان مسیح موعود است، او را تکذیب کرده و به جنگش رفتند! و به همین دلیل خداوند در قرآن کریم، نسبت به هرگونه تعبیر و دستکاری در علائم ظهور هشدار داده و آن را به مثابه نسبت دادن کلام و نوشته خود به خداوند، به حساب می آورد:

• فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...

﴿البقرة: ۷۹﴾



امام حسن عسگری (ع) در تفسیر این آیه فرمودند:

• هذا قوم من اليهود كتبوا صفة زعموا انها صفة محمد صلى الله عليه

وآله وسلم وهي خلاف صفته (تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۹۲)

یعنی علمای یهود علائم و صفات موعود منتظر را (هم در زمان ظهور حضرت مسیح (ع) و هم در زمان ظهور پیامبر (ص) تغییر داده و تحریف کردند و مردم فکر کردند این همان علائمی است که از طرف خدا و توسط پیامبران بیان شده است! غافل از آنکه علمای یهود آن را تحریف کرده و نظرات خود را بیان کرده اند! خداوند در این باره می فرماید:

• فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ.... ﴿البقره: ۵۹﴾

و در نتیجه این تغییر و تحریف فاجعه بار، مردم موعود ظهور کرده را نشناختند و او را مدعی کذاب پنداشته و تکذیبش کرده و با تحریک همان علمای تحریف کننده به جنگ او رفتند و به آن سرنوشت فاجعه بار یعنی جنگ با موعود منتظر خودشان دچار شدند! خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید:

• أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿مؤمنون: ۶۹﴾



۲- عدم احاطه علمی نسبت به مشخصات صحیح موعود

منتظر:

تحریف علائم همیشه عمدی و آگاهانه نبود بلکه اکثرا در اثر سوء فهم از علائم و عدم احاطه علمی نسبت به آن باعث ایجاد تصور غلط و نادرست از موعود و شرائط ظهورش می شد، و در نتیجه وقتی موعود منتظر ظهور می کرد به دلیل عدم انطباق او با علم ناقص و برداشتهای غلط آنها، به تکذیب او می پرداختند! خداوند در این باره در قرآن کریم می فرماید:

• حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا، أَمَّا أَذًا كُنْتُمْ

﴿تَعْمَلُونَ﴾ **عمل: ۸۴**

• بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَا تَهُم تَأْوِيلُهُ، كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ

قَبْلِهِمْ ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿يونس: ۳۹﴾

چرا ظالمین؟ چون به علم ناقص و تحریف شده خود مغرور شدند و به جای سؤال متواضعانه اشکالات و ابهامات و شبهات خود از موعود، به تکذیب و استهزاء خیره سرانه و متکبرانه او پرداخته و ظالمانه به جنگ او رفتند! خداوند در اینبار در قرآن کریم می فرماید:

• فَلَمَّا جَاءَ تَهُم رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا

كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿غافر: ۸۳﴾

و اینچنین شد که در اثر معلومات ناقص و غلط و عدم شناخت موعود، دچار



فاجعه غیر قابل تصور جنک با موعود منتظر خود شدند چیزی که امام صادق(ع) از آن به اعظم البلیه یاد کرده و می فرماید شیعه هم دچار همین فاجعه خواهد شد!

• عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: "

لو قد قام القائم لأنكره الناس، لأنه يرجع إليهم شابا موفقا... و في رواية اخرى: أنه قال (عليه السلام): وإن من أعظم البلية أن يخرج إليهم صاحبهم شابا وهم يحسبونه شيخا كبيرا. (غيبت نعمانی ص ۱۹۲)

بعدا در جای خود ان شاء الله به شرح و توضیح این حدیث مهم خواهیم پرداخت.



۳- آوردن امر جدید و نفی تحریفات موجود در دین آباء و اجدادی.

وقتی موعود منتظر می آمد ضمن نفی تحریفات بوجود آمده در دین، امور جدیدی نیز می آوردند، طبعاً امور جدید از طرف خداوند بود و در دین مستقر وجود نداشت، چنانچه حضرت مسیح بعضی از محدودیتهای شدید موجود در دین یهودیت را بر داشته و برخی حررها را حلال اعلام نمود:

- وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿آل عمران: ۵۰﴾

و از آنجائی که از یک طرف هرگونه تغییر در امور دینی حساس بوده و با عکس العمل و اعتراض روبرو می شود و از طرف دیگر موعود ظهور کرده را تکذیب کرده و او را مدعی کذاب پنداشته اند، نفی تحریفات و امور جدید از طرف موعود ظهور کرده را، به عنوان توطئه ای برای تحریف و تغییر دین قلمداد کرده و حاضر به قبول امور جدید و یا ترک تحریفات دین آباء و اجدادی نمی شده و در قبال این امور عکس العمل شدید نشان داده و به جنگ موعود منتظر می رفتند، خداوند در اینباره در قرآن کریم می فرماید:

- وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿غافر: ۲۶﴾
- قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿هود: ۸۷﴾



- كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدَجَرَ ﴿قمر: ۹﴾

و در نتیجه موعود ظهور کرده را تکذیب کرده او را مورد آزار و اذیت قرار داده و بر پیروی از دین تحریف شده مستقر اصرار ورزیدند:

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّرٍ مُّسْتَقَرٌّ ﴿القمر: ۳﴾

و تبعیت از او را گمراهی شمرده و افرادی را هم که به او ایمان آورده و از او تبعیت می کردند، افرادی گمراه شده می دانستند:

- فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّمَّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنْآ إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿القمر: ۲۴﴾

و حاضر به دست برداشتن از دین آباء و 2 اجدادی نشده و بر پایداری بر دین مستقر اصرار و تأکید ورزیدند:

- وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ﴿بقره:

﴿۱۷۰﴾

- قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي

الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿يونس: ۷۸﴾

و اینچنین بود که در همه جوامع رسولان تکذیب شدند و طبعاً در آخرالزمان هم همین امر تکرار خواهد شد، و مکذبین سزاوار عذاب و عقاب الهی شدند:

- إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٍ ﴿سوره ص: ۱۴﴾



طبق احادیث در حین ظهور قائم آل محمد(ص) نیز همین مشکل پیش خواهد آمد، او با امر جدیدی خواهد آمد که قبلاً نبود: عن أبي بصير عن كامل عن أبي جعفر (ع) أنه قال:

- إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله (ص) و إن الإسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً كما بدأ... (غیبت نعمانی ص 321)

و لذا مؤمنین برای دفاع از دین مستقر، بر علیه او که فکر می کنند مدعی کذاب است، قیام خواهند کرد:

- إذا ظهر القائم على نجف الكوفة، خرج إليه قراء أهل الكوفة وقد علقوا المصاحف في اعناقهم... (منتخب الانوار المضيئة ص ۳۹۰)

چرا که قائم(ع) دعوت به امر جدید و برگشت به تقلین می کند و در مقابل با احتجاج به آیات و احادیث به جنگش می روند:

- عن أبي عبد الله (ع) قال:....إن القائم يخرجون عليه فيتأولون عليه كتاب الله و يقاتلونه عليه. (غیبت نعمانی ص 297)



۴ - تکبر و خود بزرگ بینی بزرگان قوم و تحقیر و استهزاء

رسولان از طرف آنها.

بر علل و مشکلات ذکر شده، کبر علما و بزرگان دین که به شدت مورد تقدیس و احترام متدینین بودند اضافه می شد، یعنی رسول جدید یا موعود ظهور کرده که به صورت فردی ساده و بدون جاه و مقام اجتماعی بود، به جای احترام به بزرگان قوم و به دستبوسی آنها رفتن، آنها را به شدت مورد نقد و انتقاد قرار داده و آنها را مسئول تحریفات ایجاد شده در دین معرفی میکرد، اینجا بود که بزرگان مورد احترام جامعه از دست موعود ظهور کرده متکبرانه خشمگین شده و دشمن او می شدند! و همین تکبر مانع ایمان آوردن آنها می شد:

• كَذَلِكَ يُطِيعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ [سوره غافر: 35]

اما چرا رسولان از بزرگان انتقاد شدید می کردند؟ چون اولین قدم نفی تحریفات ایجاد شده بود که متولیان دین به شدت از آنها دفاع می کردند. ولی چرا رسولان اکثرا به صورت افرادی ساده و بدون جاه و مقام و شهرت بودند و نه افرادی قدرتمند و دارای وجهه و مقام عالی اجتماعی؟ در ضمیمه اول کتاب به آن می پردازیم.



۵- به خطر افتادن جاه و مقام و منافع بزرگان جامعه.

بزرگان یهود به دلیل به خطر افتادن منافع خود حضرت مسیح و سپس حضرت رسول(ص) را تکذیب کردند:

- **فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ [البقرة : ۷۹]**
- (فی قوله تعالى) أ تُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ... روى عن أبى جعفر الباقر عليه السلام انه قال: كان قوم من اليهود ليسوا من المعاندين المتواطئين إذا لقوا المسلمين حدثوهم بما في التوراة من صفة محمد صلى الله عليه وآله وسلم فنهاهم كبارؤهم عن ذلك وقالوا، لا تخبروهم بما في التوراة من صفة محمد صلى الله عليه وآله وسلم. (تفسير نورالقلین ج ۱ ص ۹۲)
- **فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا** قال عليه السلام، قال الله تبارك وتعالى هذا القوم من اليهود كتبوا صفة زعموا انها صفة محمد صلى الله عليه وآله وسلم وهي خلاف صفته وقالوا للمستضعفين منهم: هذه صفة النبي المبعوث في آخر الزمان، انه طويل عظيم البدن والبطن، أهدب اصهب الشعر ومحمد صلى الله عليه وآله وسلم بخلافه، وهو يجيء بعد هذا الزمان بخمسائة سنة، وانما أرادوا بذلك لتبقى لهم على ضعفائهم رياستهم، وتدوم لهم أصابتهم ويكفوا أنفسهم مؤنة خدمة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وخدمة على عليه السلام وأهل خاصته، فقال الله عز وجل، «فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» من هذه الصفات المحرفات المخالفات لصفة محمد وعلى عليهما



السلام الشدة لهم من العذاب، في أسوء بقاع جهنم، وويل لهم الشدة من العذاب ثانية مضافة الى الاولى، مما يكسبونه من الأموال التي يأخذونها إذا ثبتوا أعوانهم على الكفر بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم، والجدد لوصيه وأخيه على بن أبي طالب عليه السلام ولى الله، والحديث طويل أخذنا منه ما به كفاية وتركنا الباقي خوف الاطالة. قال عز من قائل: فويل لهم. (احتجاج

طبرسى ج ۲ ص ۲۶۲)

چنانچه بزرگان شیعه نیز به دلیل به خطر افتادن منافع مادی خود، امامت امام رضا(ع) را تکذیب کردند چون نمی خواستند خمس و مال امام زیادى که حضرت امام کاظم(ع) به آنها سپرده بود تحویل امام رضا(ع) بدهند و لذا او را تکذیب کردند.



۶- نشان ندادن معجزه های درخواستی!

تصور غلطی که اکثراً در مورد حجج الهی وجود داشته و دارد این است که فکر می کردند چون آنها از طرف خدا هستند پس باید دارای قدرتهای فوق بشری و خارق العاده و قاهره داشته باشند و بتوانند هرکس که با آنها مخالفت کرد در جا تبدیل به سوسکش کنند!! یا اینکه خود خداوند یا حداقل فرشته ها همراه آنها آمده و با مردم سخن بگویند یا حجج الهی معجزه خانه باز کنند و هر معجزه ای که از آنها درخواست شد بی درنگ نشان دهند و معجزه های درخواستی را اجرا کنند!! خداوند در قرآن در اینباره می فرماید:

• وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ

قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿البقرة: ۱۱۸﴾

• وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي

مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿يونس: ۲۰﴾

غافل از این که خداوند مشیتش بر این قرار گرفته که رسولان انسانهای ساده و مستضعفی مثل بقیه انسانها باشند(ان بشر مثلکم!) و نشان دادن معجزه هم در اختیار آنها نیست و باید خداوند اذن این کار را به آنها بدهد، خداوند در قرآن در اینباره می فرماید:

• مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ... ﴿الرعد: ۳۸﴾



و اساساً بعد از این که انبیاء قبلی هر معجزه ای نشان دادند آنها ایمان نیاورده و معجزات را هم به حساب سحر گذاشتند، خداوند نشان دادن معجزات را به حداقل رساند و اذن نشان دادن هر معجزه درخواستی را نداد، خداوند در اینباره در قرآن کریم می فرماید:

• وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ... ﴿الإسراء: ۵۹﴾

از جمله وقتی مشرکین یک لیست معجزات در خواستی را به رسول اکرم (ص) دادند تا با نشان دادن آن رسالت خود را ثابت کند، خداوند اذن نشان دادن آن معجزات را نداد و فرمود بگو من جز بشری مثل شما نیستم که پیامی از جانب پروردگارتان آورده ام! فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر!:

• وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى نُنزَلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ ۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا ﴿الإسراء: ٩٣﴾

شیخ صدوق (ره) در کتاب کمال الدین در اینباره می گوید:

• قد علمنا أن الأنبياء عليهم السلام قد أقاموا المعجزات في وقت دون وقت ولم يقيموها في كل يوم ووقت ولحظة وطرفة وعند كل محتج عليهم ممن أراد الاسلام.... وقد حكى الله عز وجل عن المشركين أنهم



سألوا نبيه صلى الله عليه وآله أن يرقى في السماء وأن يسقط السماء عليهم كسفا أو ينزل عليهم كتابا يقرؤونه وغير ذلك مما في الآية، فما فعل ذلك بهم، وسألوه أن يحيى لهم قصي بن كلاب وأن ينقل عنهم جبال تهامة فما أجابهم

(كمال الدين ص ۹۰)

البته درخواست معجزه فقط بهانه ای بود برای ایمان نیاوردن و پوشاندن عناد و تکبر خودشان و هر معجزه ای هم نشان داده می شد می گفتند سحر است و ایمان نمی آوردند چنانچه خداوند می فرماید اگر فرشته هم بفرستیم و مرده هم زنده شود و سخن گوید باز ایمان نمی آورند:

• وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ

فَبَلَّأَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا... ﴿الأنعام: ۱۱۱﴾

• وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

﴿الأعراف: ۱۳۲﴾



۷- تقلید از بزرگان در اصول دین و امر حجج الهی:

متدینین در طول تاریخ بعد از فاصله گرفتن از مبدأ دین کم کم علمای دین را جای خدا و حجج الهی گذاشته و از آنها اطاعت مطلق و بی چون و چرا می کردند و از جمله در مورد موعود ظهور کرده نیز منتظر دستور و تأیید علمایشان بودند و آنها که به دلائل ذکر شده به مخالفت با حجج الهی می پرداختند، موعود ظهور کرده را مدعی کذاب اعلام کرده و تأیید و تبعیت از او را حرام اعلام می کردند، و متدینین نیز چشم و گوش بسته از آنها تبعیت کرده و به جنگ موعود منتظر خود می رفتند و طبعاً این تقلید و اطاعت کورکورانه در اصول دین، مورد تأیید الهی نبوده و تقلید و تبعیتی مردود بود و بفرموده امام صادق(ع) نوعی عبودیت نامشروع بود:

- عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله ع عن قول الله عز و جل - اتخذوا أبحارهم و رهبانهم أربابا من دون الله. فقال أما و الله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم و لو دعوهم إلى عبادة أنفسهم لما أجابوهم و لكن أحلوا لهم حراما و حرموا عليهم حلالا فعبدوهم من حيث لا يشعرون! (كافي ج ۲ ص ۳۹۷)

و بلکه از آن نهی شده و حرام می باشد، چنانچه امام حسن عسکری(ع) فرمودند:

- عن ابی محمد العسکری علیه السلام فی قوله تعالی (وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَخْلُقُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي) قال: ان الأمي منسوب إلى امه ای هو كما خرج من بطن امه لا يقرء ولا يكتب، لا يعلمون الكتاب المنزل من



السماء، ولا المتكلم به ولا يميزون بينهما الا امانى، اى ان لا يقراء عليهم
ويقال لهم ان هذا كتاب الله وكلامه لا يعرفون ان قرئ من الكتاب
خلاف ما هم فيه، (وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ) اى ما يقراء عليهم رؤساءهم من
تكذيب محمد(ص)...، وهم يقلدونهم مع انه محرم عليهم تقليداهم.

(احتجاج طبرسى ج ۲ ص ۲۶۲)

و بدین شکل با تبعیت کورکورانه از بزرگان خود حجت خدا را تکذیب کرده و
به جنگ او می رفتند! طبعاً اینها روز قیامت در حین ورود به آتش جهنم بیدار
شده و خطاب به بزرگانشان می گویند:

• ...وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ
الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا: لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

﴿سبأ: ۳۱﴾

• وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَصَلَّوْنَا السَّبِيلَا. رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ

مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُومُ لَعْنَا كَبِيرَا ﴿احزاب: ۶۷﴾

و باین شکل بود و به همین سادگی که با اطاعت محض و کورکورانه از
علمایشان که قاطعانه فتوی می دادند او یک مدعی کذاب است، کافر شدند و
اهل جهنم:

• قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟

قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ

فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ... ﴿الصف: ۱۴﴾



یعنی عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا انصار من هستند؟!» حواریون گفتند: «ما انصار خدائیم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و گروهی دیگر کافر شدند!

و همین امر در زمان ظهور حضرت هم تکرار خواهد شد:

● يضع الجزية على الكفار و يدعو إلى الله بالسيف و يرفع المذاهب عن الأرض فلا يبقى إلا الدين الخالص، أعداؤه مقلدة العلماء، أهل الاجتهاد، لما يروونه يحكم بخلاف ما ذهب إليه أئمتهم. (الزام الناصب ج ۲ ص : ۸۶)

و به همین دلیل امیرالمومنین (ع) به شدت انذار دادند و از این موضوع همه را برحذر داشتند:

● فالحذر الحذر من طاعة ساداتكم وكبرائكم الذين تكبروا عن حسبهم، وترفعوا فوق نسبهم، وألقوا الهجينة على ربهم. (نهج البلاغه خطبه قاصعه)



تکذیب حضرت مسیح (ع) و جنگ و مقابله با او از طرف

منتظرانش:

نمونه بارز این موضوع، ظهور حضرت مسیح (ع) و جنگ و دشمنی یهود با ایشان می باشد در حالی که بی صبرانه در انتظار ظهورش بودند! علمای یهود در کتب پیشینیان خوانده بودند که مسیح منجی و پادشاه یهود می باشد که از بیت اللحم می آید ولذا وقتی حضرت مسیح به شکل انسانی عادی و جوانی سی ساله آمد و گفت من مسیح موعودم! و آنها میدانستند که او اهل شهر ناصره است و جوانی است مثل بقیه جوانهای ناصره (رسول منم یا رجل منم و از آنها و مثل آنها) در قبالش عکس العملی جز تعجب و ناباوری و سپس تمسخر نشان ندادند،

و وقتی در اولین قدم شروع کرد به آشکار کردن عیب و ایرادهای بزرگ علمای درجه یک و بزرگ یهود، و انتقادات بیرحمانه از این افراد مقدس در نظر متدینین، برای آنها شکی نماند که او شخص منحرف! بیدین! و فتنه گری بیش نیست که قصد ضربه زدن به دین و سست کردن ایمان و اعتقاد مردم متدین یهود را دارد

و حتی گفتند که او قصد ضربه زدن به یهود را دارد! بویژه به این دلیل که او رأس و محور یهود یعنی علمای درجه اول یهود را نشانه گرفته بود! و وقتی هم علمای یهود عکس العمل خشمگین نشان داده و او را بدعتگری خطرناک معرفی کردند، برای متدینین یهود شکی نماند که او منحرف و دشمن دین است!



و در نتیجه آنها وظیفه ای بزرگتر از مبارزه با این فتنه گر بدعت آور ندارند!
و اینگونه بود که متدینین خشک مغز یهود خالصاً و مخلصاً و قربه الی الله، با
اطاعت از علما، شروع کردند به مبارزه با حضرت عیسی (ع) و پیروانش!

علمای یهود که شهرت و آبرو و مقام و موقعیت خود را، با انتقادات بیرحمانه
او، در خطر جدی می دیدند، به شدت خشمگین شده و کینهء او را به دل
گرفته بودند، چرا که خدا را فراموش کرده و خود را خدا پنداشته و به این جاه
و جلال دنیوی عادت کرده بودند! و در نتیجه حضرت عیسی را به چشم دشمن
خود مینگریستند! و طبعاً ابلیس را به چشم دوست!

یکی از مسائلی که علمای یهود آنرا مستمسکی بر ضد حضرت عیسی (ع) قرار
داده بودند و از آن برای تحریک پیروانشان علیه حضرت مسیح، به شدت سوء
استفاده میکردند، محل و مکان آمدن حضرت مسیح بود، چرا که طبق پیشگوئی
های انبیاء مسیح باید از بیت اللحم می آمد:

- در کتاب نبی چنین آمده است: ای بیت لحم، در سرزمین یهودیه،
تو به هیچ وجه از سایر فرمانروایان یهودا کمتر نیستی، زیرا از تو
پیشوایی ظهور خواهد کرد (که پادشاه یهود خواهد بود و) قوم من
اسرائیل را رهبری خواهد نمود.» (انجیل متی باب ۲)

اما حضرت عیسی در شهر ناصره از استان جلیل بزرگ شده و آنجا زندگی
میکرد و به عیسی ناصری مشهور بود و وقتی اعلام کرد او مسیح موعود است
و با انتقاد از علما شروع کرد، علما و اهل دین را به خشم آورد و گفتند او نه



پادشاه است و نه از بیت لحم اصل ماجرا را از انجیل لوقا بخوانیم:

به این ترتیب به شهر ناصره، جایی که در آن بزرگ شده بود، آمد و در روز سبت طبق معمول به کنیسه رفت و برای قرائت کلام خدا برخاست. طومار اشعای نبی را به او دادند. طومار را باز کرد و آن قسمتی را یافت که می‌فرماید:

«روح خداوند بر من است، او مرا مسح کرده است تا به بینوایان مژده دهم. مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بینایی کوران و رهایی ستمدیدگان را اعلام کنم و سال فرخنده‌ی خداوند را اعلام نمایم.»
طومار را پیچید و به سرپرست کنیسه داد و نشست. در کنیسه تمام چشم‌ها به او دوخته شده بود.

او شروع به صحبت کرد و به ایشان گفت:

«امروز هنگامی که گوش می‌دادید این نوشته به حقیقت پیوست.».....
با شنیدن این سخن همه‌ی حاضران در کنیسه غضبناک شدند. آنها برخاستند و او را از شهر بیرون کردند و به لب تپه‌ای که شهر بر روی آن بنا شده بود بردند تا او را به پایین بیندازند. اما او از میان آنان گذشت و رفت.
(انجیل لوقا باب 4)

اما انسانهای پاك و ساده دل ایمان آوردند:

فیلیپس هم رفت و نتنائیل را پیدا کرد و به او گفت: «ما آن کسی را که موسی در تورات ذکر کرده و انبیا درباره‌ی او سخن گفته‌اند، پیدا



کرده ایم او عیسی پسر یوسف و از اهالی ناصره است.» نتنائیل به او گفت: «آیا می شود که از ناصره چیز خوبی بیرون بیاید؟» فیلیپس جواب داد: «بیا و ببین.» (انجیل یوحنا باب ۱)

اما علمای یهود و شاگردانشان با او به بحث و جدل می پرداختند:

عیسی وارد معبد بزرگ شد و به تعلیم مردم پرداخت. سران کاهنان و مشایخ نزد او آمده پرسیدند:

«با چه اجازه ای دست به چنین کارهایی می زنی و چه کسی این اختیار را به تو داده است؟» (انجیل متی باب ۲)

همین که عیسی وارد اورشلیم شد تمام مردم شهر به هیجان آمدند و عده ای می پرسیدند: «این شخص کیست؟» جمعیت پاسخ می دادند: «این عیسی نبی است که از ناصره جلیل آمده است.»

آنگاه عیسی به داخل معبد بزرگ رفت و همه کسانی را که در صحن معبد بزرگ به خرید و فروش اشتغال داشتند، بیرون راند. او میزهای صرافان و جایگاههای کبوتر فروشان را واژگون ساخت و به آنان گفت: «کتاب مقدس می فرماید: 'معبد بزرگ من نمازخانه خوانده خواهد شد، اما شما آن را کمینگاه دزدان ساخته اید.'»

سران کاهنان و علما وقتی عجایب عیسی را دیدند و شنیدند که کودکان در معبد بزرگ فریاد می زدند «سپاس باد بر پسر داوود» خشمگین شدند.



در حالی که علما در کبر و خودپرستی خود گیر کرده بودند و از دست عیسای ناصری خشمگین، و با دلائل محکم کذاب بودن او را ثابت میکردند! چوپانها و مردم ساده دل در رؤیا و در بیداری، از ملکوت پیام و بشارت ظهور او را میگرفتند و به او ایمان می آوردند،

(انجیل متی باب ۲)

از انجیل لوقا بخوانیم:

در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در هنگام شب از گله خود نگهبانی می کردند. شب فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند. اما فرشته گفت: «نترسید، من برای شما مژده ای دارم: شادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. امروز در شهر داوود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح خداوند

است. (انجیل لوقا باب ۲)

و بدینسان مردمان ساده و پاکدل مرتب ایمان می آوردند، اما علمای یهود و پیروانشان، حتی وقتی علم گسترده و الهی او را می دیدند، ایمان نمی آوردند بلکه فقط طوطی وار تکرار میکردند که مسیح که از ناصره و جلیل نیست! و مسیح باید از بیت اللحم بیاید! از انجیل یوحنا بخوانیم:

- فریسیان آنچه را که مردم درباره او به طور پنهانی می گفتند شنیدند. پس آنها و سران کاهنان پاسبانانی فرستادند تا عیسی را بازداشت کنند.



در آخرین روز که مهمترین روز عید بود، عیسی ایستاد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی تشنه است نزد من بیاید و بنوشد. چنانکه کلام خدا می‌فرماید: 'نهرهای آب زنده از درون آن کسی که به من ایمان بیاورد جاری خواهد گشت.'» این سخنان را دربارهٔ روح القدس، که می‌باید به مؤمنین او داده شود می‌گفت...

بسیاری از کسانی که این سخن را شنیدند گفتند: «این مرد واقعاً همان نبی موعود است» دیگران گفتند: «او مسیح است.»

اما عده‌ای هم (با اینکه کلام الهی او را شنیدند) گفتند: «آیا مسیح از جلیل ظهور می‌کند؟ مگر کتاب مقدس نمی‌گوید که مسیح باید از خاندان داوود و اهل دهکدهٔ داوود یعنی بیت لحم باشد؟» به این ترتیب دربارهٔ او در میان جمعیت دودستگی به وجود آمد.

بعد از آن پاسبانان نزد سران کاهنان و فریسیان برگشتند. آنها از پاسبان پرسیدند: «چرا او را نیاوردید؟» پاسبان جواب دادند: «تا به حال هیچ‌کس مانند این مرد سخن نگفته است.»

فریسیان در پاسخ گفتند: «آیا او شما را هم گمراه کرده است؟ نکند کسی از رؤسا و علما و فریسیان نیز به او گرویده است؟ این آدمهایی که از شریعت بی‌خبرند، ملعون هستند!»
(انجیل یوحنا باب ۷)

این بود نمونه‌ای از برخورد پیشینیان با موعود منتظر! آری او را نشناختند و با قطع و یقین گفتند او یک مدعی کذاب و مرتد و واجب‌القتل می‌باشد!

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ [سوره المؤمنون: 69]



تکرار جریان حضرت مسیح (ع) و مقابله منتظران حضرت

مهدی (عج) با ایشان:

با توجه به اینکه خداوند در قرآن خبر داده و پیامبر (ص) قسم خوردند که امتش عیناً پا جای پای یهود خواهد گذاشت و اعمال آنها را عیناً تکرار خواهد کرد و این حدیث متواتری است که شیعه و سنی آنرا نقل کرده است که ذیلاً سیزده حدیث را در این رابطه می آوریم:

• خداوند در قرآن میفرماید: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ. (انشقاق: ۱۹)،

حضرت رسول (ص) در تفسیر این آیه فرمودند:

والذي نفسي بيده لتركبن سنن من كان قبلكم حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة حتي لا تخطئون طريقهم... (تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۰۳)

یعنی قسم به او که جانم بدست اوست! تمام اعمال گذشتگانرا از یهود و نصارا) مرتکب خواهید شد موبمو و قدم بقدم، راه آنها را خواهید رفت!

• وفي تفسیر القمی عن النبی (صلى الله عليه وآله وسلم) : لتركبن

سنة من كان قبلكم حذو النعل بالنعل ، والقذة بالقذة ، لا تخطؤون طريقهم ولا يخطى ، شبر بشبر ، وذراع بذراع ، وباع بباع ، حتى أن لو كان من قبلكم دخل حجر ضب لدخلتموه ، قالوا : اليهود والنصارى تعني يا رسول الله ؟ قال : فمن أعني ؟ لتنقضن عرى الإسلام عروة عروة...

خلاصه حدیث: سنت ها و کارهای امتهای قبلی را عیناً و وجب به وجب تکرار



کرده و مرتکب خواهید شد، بطوری اگر آنها داخل لانه ماری شدند شما هم همان کار را خواهید کرد.

• عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: (في تفسير: لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبِقٍ. انشقاق آیه ۱۹): والذي نفسي بيده لتركبن سنن من كان قبلكم حذو النعل بالنعل، والقذة بالقذة
(تفسير نورالثقلين ج ۱ ص ۶۰۶)

• لتركبن طبقا عن طبق يقول: .. لتركبن سنة من كان قبلكم حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة لا تخطون طريقهم، ولا يخطى شبر بشبر وذراع بذراع وباع بباع حتى أن لو كان من دخل حجر ضب لدخلتموه، قالوا: اليهود والنصارى تعنى يا رسول الله؟ قال: فمن؟....
(تفسير نورالثقلين ج ۵ ص ۵۳۹)

• قال رسول الله (ص) يكون في هذه الأمة كل ما كان في الأمم السالفة حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة، قال عليه السلام: إذا خرج المهدي من ولدي نزل عيسى بن مريم عليه السلام فصلى خلفه وقال عليه السلام: إن الاسلام بدأ غريبا وسيعود غريبا فطوبى للغرباء.
(عيون أخبار الرضا ج ۱ ص ۲۱۸)

در این حدیث تأکید می فرماید که همانطور در آغاز، اسلام غریبانه شروع شد، عودتش در آخر الزمان نیز به همان شکل غریبانه خواهد بود چنانچه فرمودند:

• عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر (عليه السلام)، قال: "مثل خروج القائم منا أهل البيت كخروج رسول الله (ص).

(غیبت نعمانی ص ۲۰۶)



وضع وقتی خطرناک می شود که بدانیم امام صادق(ع) می فرماید شیعه با قائم(عج) همان برخورد یهود با حضرت مسیح(ع) را عیناً تکرار خواهد کرد!

- ان عیسی(ع) حدث قومہ بحديث فلم یحتملوه عنہ فخرجوا علیہ...وإنه أول قائم یقوم منا أهل البیت یحدثکم بحديث لا تحتملونه فتخرجون علیہ...فتقاتلونه! (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۵)
- ويرفع المذاهب عن الأرض فلا یبقى إلا الدین الخالص، أعداؤه مقلدة العلماء، أهل الاجتهاد، لما یرونه یحکم بخلاف ما ذهب إلیه أئمتهم.... (الزام الناصب ج ص ۱۵)

- سمعت أبا عبد الله (ع) یقول: إن قائمنا إذا قام استقبل من جهل الناس أشد مما استقبله رسول الله (صلی الله علیه وآله) من جهال الجاهلیة! - قلت: وكيف ذاك؟ - قال: إن رسول الله (ص) أتى الناس وهم یعبدون الحجارة والصخور والعیدان والخشب المنحوتة، وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلهم یتأول علیه کتاب الله یحتج علیہ.... (غیبت نعمانی ص ۳۰۷)

و اینچنین بزرگترین ابتلاء و آزمایش شیعه و یا به قول امام صادق(ع) "اعظم البلیه" شروع می شود و اختلاف شدیدی بین اقلیت مؤید او و اکثریت منکر و تکذیب کننده شروع می شود تا حدی که همدیگر را لعن و تکفیر کرده و کذب می نامند:

- قال أمير المؤمنین (علیه السلام): یا مالک بن ضمرة، کیف أنت إذا اختلفت الشیعة هكذا - وشبك أصابعه وأدخل بعضها فی



بعض؟ - فقلت: يا أمير المؤمنين، ما عند ذلك من خير؟ - قال:
الخير كله عند ذلك يا مالك، عند ذلك يقوم قائمنا فيقدم سبعين
رجلا يكذبون على الله وعلى رسوله (صلى الله عليه وآله) فيقتلهم،
ثم يجمعهم الله على أمر واحد . (غيبت نعمانی ص ۲۱۴)

چنانچه ملاحظه می شود امیرالمومنین(ع) می فرماید اختلاف شدید تا بعد از
ظهور ادامه می یابد و بعد از ظهور حضرت گردن هفتاد رجل از رجال شیعه را
که به دروغ، و با توسل به آیات و احادیث، او را تکذیب می کردند، پیش کشیده
و گردن میزند و فتنه تکذیب پایان می یابد
نتیجه این وضع، یعنی تکذیب قائم(ع) توسط بزرگان، این می شود که جز اقلیتی
بسیار کوچک (12 هزار نفر نفر از کل شیعه و غیر شیعه) همه او را تکذیب می
کنند و با او نمی ماند مگر افراد نادر:

- إنكم لن تروا ما تحبون وما تأملون - يا معشر الشيعة - حتى يتفل
بعضكم في وجوه بعض، وحتى يسمي بعضكم بعضا كذابين،
وحتى لا يبقى منكم على هذا الأمر إلا كالكحل في العين، أو
كالملاح في الطعام، وهو أقل الزاد... (غيبت نعمانی ص ۲۳)
- لا يكون الذي تمدون إليه أعينكم حتى تميزوا أو تمحصوا، حتى لا
يبقى منكم إلا الأندر، ثم تلا (أم حسبتم أن تتركوا ولما يعلم الله
الذين جاهدوا منكم) ويعلم الصابرين. (غيبت طوسی ص ۳۳۷)



و نتیجه ی همه این ابتلائات و تکذیبا این می شود که منتظران ظهور او را تکذیب کرده و کنار می کشند و حتی با او می جنگند و افراد بیدین و بی ایمان باو می آورند:

• إذا خرج القائم (عليه السلام) خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله ودخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر
(غیبت نعمانی ص ۱۶۲)

می بینیم که طبق این احادیث حقیقت تلخ و امر دهشتناکی که زمان ظهور حضرت مسیح (ع)، اتفاق افتاد، و یهود که صدها سال منتظر حضرت مسیح (ع) بودند حین ظهور، او را کذاب و دروغگو پنداشته و به جنگش رفتند، در آخرالزمان عینا تکرار خواهد شد!

پس چاره چیست و راه نجات کدام است؟

چاره همانطور که رسول خدا(ص) فرمودند تمسک به ثقلین و اجتناب از تصورات واهی در باره ظهور می باشد.

در اینجا بررسی اتفاقات مرحله چهارم ظهور به پایان می رسد و در جلد بعدی ان شاءالله مرحله پنجم ظهور مقدس را مورد بررسی قرار خواهیم داد که با شروع جنگهای گسترده یمانی سفیانی و خراسانی و ظهور خود حضرت مهدی(عج) شروع می شود و اتفاقات بعد از ظهور و تشکیل دولت عدل جهانی مهدوی ادامه می یابد

هشدار ای منتظران!

شبیہ مسیح را منتظرانش کشتند!

هشدار ای منتظران!

حسین را منتظرانش کشتند!



تصور کارتونی - افسانه ای از ظهور!

و

تکذیب قائم و جنگیدن با او

در اثر عدم شناخت درست!

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (سوره المؤمنون : ۶۹)

آیا می دانید امم ماضیه، رسولان را مورد تکذیب قرار دادند!

و منتظران عاشق به جنگ موعود منتظر رفتند!

آیا می دانید که عاشقان و شیفتگان مسیح موعود، با مشت‌های گره کرده شعار

مرگ بر عیسای ناصری کذاب سر دادند! و تا شبیه او را بر بالای دار و صلیب

نکشیدند از پای ننشستند!؟

یهودی که عاشقانه و در انتظار پیامبر آخرالزمان سرزمین مقدس خوش آب و

هوای پر نعمت را رها کرده و به عشق و انتظار او آمده و در عربستان خشک و

سوزان سکنی گزیده بود الد الخصام پیامبر آخرالزمان شدند! شدیدترین عداوتها

را تثار موعود منتظرشان کردند!

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ... (سوره المائدة : ۸۲)

چرا؟؟؟؟؟؟



چون که از آمدن موعود، افسانه پردازی کرده بودند و در ذهنشان ظهوری کارتونی و قهرمانانه برای موعود خود بافته بودند!

که یکسبه قهرمانانه و با معجزات قاهره و باهره و چشم خیره کن ظاهر می شود و دشمنان را با یک اشاره نابود می کند و ما را و بزرگان ما را آقای جهان می کند!!!

اما چرا و چگونه این تصور کارتونی افسانه ای از ظهور ساخته و پرداخته شده بود؟؟؟

در تورات خوانده بودند که مسیح پادشاه یهود است با شکوه عظمت بر بالای ابرها و همراه فرشتگان می آید! جهان را با قدرت قاهره الهی تسخیر کرده و با عصای آهنین بر آن حکم می راند! و او از شهر بیت اللحم می آید.

و بر آنچه که در تورات آمده بود، موارد دلخواه خود را هم افزوده بودند از جمله این که او یهود و بزرگان یهود را آقا و حاکم جهان می گرداند!

و اینچنین شده بود که یهود یک ظهور کارتونی و افسانه ای را بی صبرانه انتظار می کشیدند! که بخش زیادی از آن هم مستند به تورات کتاب آسمانی بود! و در نتیجه جایی برای شک در صحتش وجود نداشت!!!

و بشارتها داده می شد که موعد نزدیک است و علائم آشکار شده و بزودی مسیح و منجی موعود ظهور خواهد کرد!

تا این که روز موعود رسید! عیسی ناصری در شهر ناصره، که از بچگی آنجا بزرگ شده بود (طبق احادیث، و انجیل موجود، حضرت مریم او را از بچگی فراری داده بود و بصورت ناشناس و عادی در شهر ناصره زندگی می کردند) و همه او را از بچگی می شناختند، که اینک بزرگ شده و جوانی سی ساله بود



و فردی ساده و سر بزیر.

در شهر ناصره در مراسم دعای هفتگی کنیسه که سخن از نزدیک شدن ظهور مسیح بود، عیسی بلند شد و گفت: اینک این پیشگوئی محقق شد و آن منم!!!! (مثل محمد امین(ص) که عشیره اش جمع کرد نهار داد و گفت انا رسول الله!!!)

مومنان و منتظران یهود که منتظر آن ظهور پرشکوه کارتونی افسانه ای بودند! گفتند عیسی مجنون و دیوانه شده!!! و وقتی اصرار کرد حکم تکفیر و قتلش از طرف کنیسه صادر شد!!! و عیسی فرار کرد!!! (مثل خروج رسول الله(ص) از مکه که قصد جانش کردند!!!)

فرار کرد آمد بیت المقدس و ادعایش را تکرار کرد! که من همان مسیح موعود شما هستم!!!

و علمای یهود را هم مورد عتاب و خطاب شدید قرار داد (شبیبه تبت یذا ابی لهب! ابی لهبی که از بزرگان مورد احترام قریش بود) و فریاد زد که: وای بر شما ای فریسیان! ای ماران افعی زادگان! که از دین خدا برای خود دکه و دکان درست کرده اید و محترم شده اید!!! جمع کنید این دم و دستگاهتان را!!!! (مفصلش را در انجیل موجود بخوانید)

و غوغائی در بیت المقدس پیا شد!!!

که این جوانک مجنون نادان ادعای کفر آمیز کرده و خود را مسیح موعود می داند!!!

معجزاتش را هم سحر قلمداد کردند!



و گفتند و تاکید کردند که تازه خودش هم اهل ناصره است! در حالی که نص صریح تورات است که مسیح از بیت اللحم می آید! و همین یک مورد برای اثبات کذاب بودنش کفایت می کند!

و حکم تکفیر و فتوای قتل این مدعی کذاب و دیوانه -از نظر آنها- که به علما و بزرگان یهود هم اهانت می کند و باعث اختلاف بین یهود شده و در بیت المقدس اغتشاش راه انداخته!!! صادر شد!!!

و در بیت المقدس، به دستور و تحریک علما و بزرگان یهود، تظاهرات و آشوب پیا شد و مشتهای آهنین عاشقان و منتظران مسیح موعود خشمگینانه به هوا رفت که: عیسی ناصری اعدام باید گردد!!!

و تا شبیه عیسی مظلومانه شکنجه نشد و بالای دار و صلیب نرفت ساکت نشدند و آرام ننشستند!!!

براستی چرا؟!!!! چرا اینچنین شد؟؟؟

چون ظهور عیسی مسیح هیچ شباهت همخوانی با ظهور کارتونی - افسانه ای که برای یهود ساخته بودند نداشت!!!

آن ظهور کارتونی افسانه ای که یهود انتظارش را می کشیدند کجا؟ و این جوان تنها و مظلوم و سر به زیر شناخته شده در شهر ناصره، که غریبانه آمده بود و ادعا می کرد که من همان مسیح موعود شما هستم کجا؟

و دلیل بعدی و بزرگتر این بود که آنها مسیحی را انتظار می کشیدند که وقتی آمد علما و بزرگان و کاهنان آنها را بزرگ دارد و بر صدر نشاند! اما این جوان غریب و تنها آنها را مورد عتاب و خطاب شدید قرار می داد و محکومشان می کرد که دین خدا را خراب کرده اند و ریاکارند! کلام سنگینی که برای آنها به



هیچوجه قابل تحمل نبود!

ذیلا به گوشه ای از کلام او را خطاب به علما یهود توجه کنیم:

مضمون سخن عیسی مسیح غریب و جوان با کاهنان و علما و بزرگان یهود:
وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما به رعایت احکام ریز شریعت
حساس هستید، اما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت
است، نادیده گرفته‌اید...

وای بر شما ای راهنمایان کور... وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما
ظاهران را پاک نگاه میدارید درحالی که درونتان از ظلم و ناپرهیزی پُر است!
شما ظاهران درستکار ولی در باطن پر از ریاکاری و شرارت هستید...

ای ماران!

ای افعی‌زادگان!

شما چگونه از مجازات دوزخ رهائی خواهید یافت؟

به این جهت من انصار و حواری خود را به سوی شما می‌فرستم اما شما آنها را یا
می‌کشید و یا در کنیسه‌هایتان آنها را محاکمه می‌کنید و زندان و شکنجه می
کنید!

و از این جهت خون همه نیک‌مردان خدا که بر زمین ریخته شده، برگردن شما
خواهد بود، از هابیل معصوم گرفته تا زکریا فرزند برخیا که او را در اندرون
مقدس معبد بزرگ کشتید!

(برگرفته شده از انجیل متی باب ۲۳ و انجیل لوقا باب ۷.۷)



آیا کاهنان متکبر یهود، (که در دیده عوام مردم مقدس جلوه می نمودند، و مردم به دستبوسی آنها می رفتند) می توانستند دست از کبر و شهرت و ریاست و مال و اموال کشیده و امور را تسلیم او کنند؟ و یا حداقل اینگونه سخنها را از او قبول و یا تحمل کنند؟؟؟

هرگز!!!

به کلام امام صادق(ع) در این باره توجه کنیم:

- ان عیسی حدث قومه بحديث فلم یحتملوه عنه فخرجوا علیه فقاتلوه... وهو قول الله عز وجل " فآمنت طائفة من بني إسرائيل وكفرت طائفة... (بحار انوار ج ۵۲ ص ۳۷۵)

و خداوند همه انسانها و امتها را در طول تاریخ مورد خطاب قرار داده و خطاب به آنها می فرماید:

...أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ! فَفَعْرِيْقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيْقًا

تَقْتُلُوْنَ!؟ (سوره البقرة : ۸۷)

مضمون آیه: آیا هر رسولی (که از طرف ما به سویتان) آمد و برخلاف هوای نفستان حرف زد آنها را تکذیب کردید و یا کشتید؟ این بود قصه برخورد یهود با عیسای مسیح که عاشقانه و بیصبرانه انتظار آمدنش را می کشیدند!

زمان ظهور حضرت رسول (ص) نیز این قصه پر غصه تکرار شد! و علما و کاهنان یهود با ترسیم صفات و ویژگیهای خود ساخته و دروغین از ظهور خاتم الانبیا (ع)، منتظران یهود را که به عشق و انتظار ظهور پیامبر آخرالزمان به مدینه آمده بودند، گمراه کرده و به جنگ رسول الله(ص) کشاندند! تا مبادا جاه و مال



و مقام خود را از دست بدهند! و هلاک کردند و هلاک شدند!
 و خداوند این تحریف علائم ظهور را دروغ بستن به خداوند قلمداد کرد! چرا
 که عوام الناس فکر می کردند علمایشان از خدا و انبیاء گذشته این نوع علائم
 ظهور را نقل می کنند! غافل از اینکه حاصل تصورات غلط خود آنها است!

در این باره خداوند در سوره بقره چنین می فرماید:

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا
 قَلِيلًا! فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ! وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ! (سوره البقرة: ۷۹)

امام صادق در این باره فرمودند:

... (يكتبون الكتاب بأيديهم)... وذلك أنهم كتبوا صفة زعموا أنه صفة النبي (ص)
 وهو خلاف صفته! وقالوا للمستضعفين، هذه صفة النبي المبعوث في آخر الزمان
 وأنه يجيء بعد هذا الزمان بخمسمائة سنة!!!

(لیشتروا به ثمنًا قلیلاً!) لتبقى لهم على ضعفائهم رئاستهم!...

(فویل لهم مما کتبت أيديهم) یعنی المحرف! وویل لهم شدة من العذاب ثانیة
 مضافة إلى الأولى مما یکسبون من الأموال التي يأخذونها إذا ثبتوا عوامهم على
 الکفر (برسول الله و انکاره و تکذیبه) (تفسیر صافی ج ۱ ص ۱۴۸)

پس هشدار ای شیعیان!!!

بیدار شوید ای منتظران ظهور حضرت مهدی (عج)!!!

اینک زمان ظهور رسیده ایت و رسول اکرم (ص) بارها و به مناسبتهای مختلف،
 (طبق احادیث متواتر منقول از طریقین شیعه و سنی)، قسم یاد کردند، که امت



او دقیقا همان راه شوم و هلاکتبار گذشتگان را رفته و اعمال زشت و حشتناک

آنها را عینا تکرار خواهند کرد!!!

آیا عاقلی هست لختی بیاندیشد؟!

آیا قلب سلیمی هست که بخواهد، در این بحبوحه ظهور، از هلاکت و این

سرنوشت شوم اسفبار نجات یابد؟؟؟

مَا آمَنْتَ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ؟؟؟. (سوره الانبیاء : ۶)

مضمون آیه این است که قبل از اینها هیچ قوم و قبیله ای در ابتدای امر به

رسولشان ایمان نیاوردند! آیا اینها ایمان می آورند؟

نه!!! مگر قوم و قبیله حضرت رسول ص به او ایمان آوردند؟! و مگر طرد و

تکذیبش نکردند و مگر قصد جانش را نکردند!!!!

پس آیا در اخراالزمان شیعیان در حین ظهور به قائم منتظرشان ایمان خواهند

آورد؟ و با او نخواهند جنگید؟

اینک شیعه ی منتظر مهدی عج، دقیقا و عینا همانطور که رسول اکرم (ص)

قسم خورده بودند، برای خودش قصه سازی و افسانه پردازی کرده است!!! که

حضرت مثل کارتونها یکشنبه در کنار کعبه قهرمانانه ظهور کرده، شمشیرش را

کشیده! فریاد انا المهدی سرداده و با اسب سفید جهان را یکشنبه تسخیر کرده و

تحویل شیعه و بزرگان شیعه خواهد داد!!!

صدق رسول الله (ص)!!! دقیقا و عینا همان ظهور افسانه ای - کارتونی یهود!!!

قال النبي (صلى الله عليه وآله): " يكون في هذه الأمة كل ما كان في بني

إسرائيل، حذو النعل بالنعل، والقذة بالقذة ". (من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۰۳)

یعنی رسول خدا ص فرمودند: هر اتفاقی که در بنی اسرائیل اتفاق افتاده، مو



بمو در امت من تکرار خواهد شد!!!

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يكون في هذه الأمة كل ما كان في الأمم

السالفة حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة!. (عيون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۲۰۰)

و اوضاع وقتی جدیتر و خطرناکتر می شود که بدانیم امام صادق (ع) فرمودند

و هشدار دادند که شیعه برخوردار یهود با حضرت مسیح (ع) را با قائم (ع) تکرار

خواهد کرد!!!

و قائم کلامی مشابه کلام حضرت مسیح به بزرگان شیعه خواهد گفت، و آنها

نیز مثل علمای یهود آن کلام سنگین را بر تنافته و بر علیه او خواهند

خواست!:

- ...ان عیسی (ع) حدث قومه بحديث فلم يحتملوه عنه فخرجوا عليه...

وإنه أول قائم يقوم منا أهل البيت يحدثكم بحديث

(بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۵).

...لا تحتملونه فتخرجون عليه... فتقاتلونه!

بگذارید دردمندان فریاد کشیم که:

افيقوا يا نيام!!!

بیدار شوید ای غافلان!!!

بیدار شوید ای به خواب رفتهگان!!!

و به جای این افسانه سازی ها به مشخصات و کیفیت ظهور در پیش تقلین و

احادیث اهل بیت (ع) توجه کنید!

ظهور کارتونی-افسانه ای را رها سازید که حضرت یکشبه و ناگهان در کنار



کعبه ظاهر خواهد شد و انا المهدی سر خواهد داد و همه خبرگزاریه‌ها ظهور را اعلام خواهند کرد و میلیونها شیعه به استقبالش خواهند رفت و کمکش خواهند کرد و با قدرتهای ماورائی، سریع جهان را تسخیر خواهد کرد!!!
این دقیقا همان ظهور کارتونی مورد نظر امتهای گذشته است که منجر به جنگیدن با موعود منتظر شد!!! که اینک بین شیعه هم طبق فرمایش رسول اکرم ص تکرار می شود و بر خلاف احادیث اهل بیت ع ترسیم شده و جا افتاده است!

ظهور غریبانه است و دعوت قائم ال محمد ص مثل دعوت جدش رسول الله ص غریبانه شروع می شود و بیشتر شدیدتر از جدش تکذیب و آزار و اذیت می بیند و ابتدا فقط دوازده هزار مجهولون فی الارض ایمان می آورند طبق احادیث ظهور دو مرحله دارد و دو شخص و دو قائم متصدی امر ظهور هستند

مرحله اول ظهور به قائم است یا باصطلاح ظهور صغری و قائم اول غریبانه می آید و پرچم هدایت را بر می افرازد و شدیداً تکذیب می شود و تهدید به قتل وووو...

او با حدود چهارده اسم و لقب در احادیث اهل بیت ع معرفی شده است. و بعد خود حضرت مهدی(عج) می آید که مورد انکار و نفرین قرار می گیرد، چنانچه فرمودند: "اذا رفعت رایة الحق لعنھا اهل المغرب و المشرق لما راو من اهل بیتہ قبله" و فقط آن لشکر ایمان می آورد و لاغیر!

پس راه نجات کنار گذاشتن تصور مرسوم از ظهور و تمسک به تقلین است و لاغیر، با روایات و احادیث اهل بیت(ع) در باره ظهور آشنا شویم که فرمودند،



"يعرفه الذين يروون احاديثنا" از هيچکس هيچ نظری را در باره ظهور بدون استناد به احاديث اهلبيت (ع) نپذيريدم و دليل کلامی را در باره ظهور، از احاديث اهلبيت عصمت (ع) از گوینده اش نخواهيدم تا بدینوسیله و با تمسک به ثقلین از افتادن در تور بزرگ و شیطانی ظهور کارتونی افسانه ای، و هلاکت حتمی مثل يهود، نجات يابيم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد